



تحول بازنمایی ایالات متحده به عنوان

«دیگری» در اسناد امنیت ملی چین:

از رقیب منطقه‌ای تا رقیب جهانی (۲۰۱۴-۲۰۲۵)

الهام رسولی ثانی آبادی^۱

زهرا اعرابی^۲

درجه مقاله: علمی-پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

^۱. دانشیار علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول) rasooli@yazd.ac.ir

^۲. کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد، یزد، ایران. z.arabi7610@gmail.com

چکیده

ایالات متحده طی دهه اخیر مهم‌ترین «دیگری» در گفتمان امنیت ملی چین بوده‌است؛ دیگری‌ای که از سطح یک رقیب منطقه‌ای به جایگاه یک رقیب جهانی ارتقا یافته‌است. اسناد امنیت ملی چین، به‌ویژه «استراتژی نظامی چین» (۲۰۱۵) و «دفاع ملی چین در عصر جدید» (۲۰۱۹)، تصویری روشن از این تحول ارائه می‌کنند. پرسش اصلی آن است که چین در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۵ چگونه ایالات متحده را بازنمایی کرده و این بازنمایی چه تأثیری بر روابط خارجی این کشور داشته‌است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چین در اسناد امنیت ملی خود، ایالات متحده را عمدتاً در قالب «دیگری رقیب» معرفی کرده‌است؛ رقابتی که ابتدا در سطح منطقه‌ای و در حوزه‌هایی چون امنیت شرق آسیا، مسأله تایوان و مناقشات دریای چین جنوبی برجسته شده و سپس با موضوعاتی مانند جنگ تجاری، فناوری‌های پیشرفته، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و نظم بین‌المللی به سطح جهانی گسترش یافته‌است. بر این اساس، بازنمایی آمریکا به‌عنوان «دیگری رقیب» نه تنها جهت‌گیری دفاعی و امنیتی چین را در محیط پیرامونی شکل داده، بلکه موجب تقویت راهبردهای این کشور در عرصه جهانی از جمله تعمیق همکاری با روسیه، گسترش مشارکت در نهادهای بین‌المللی و تلاش برای بازتعریف نظم بین‌الملل شده‌است. در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه سازه‌نگاری و مفهوم «دیگری» در اندیشه الکساندر ونت، به تحلیل بازنمایی آمریکا در این اسناد پرداخته می‌شود. پژوهش حاضر مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی اسناد دسته اول و بررسی موردی آمریکا می‌باشد.

• واژگان کلیدی

اسناد امنیت ملی، ایالات متحده، چین، دیگری، دیگری رقیب، سازه‌نگاری.

مقدمه

مفهوم «دیگری»^۱ یکی از مباحث بنیادی در نظریه‌های معناگرا و به‌ویژه در سازه‌انگاری است که به درک هویت و رفتار بازیگران بین‌المللی یاری می‌رساند. بر اساس دیدگاه الکساندر ونت، هویت‌ها نه در خلأ بلکه در تعامل میان «خود»^۲ و «دیگری» شکل می‌گیرند. این دیگری می‌تواند به‌عنوان «دوست»^۳، «رقیب»^۴ یا «دشمن»^۵ بازنمایی شود و هر یک از این بازنمایی‌ها پیامدهای مستقیمی بر سیاست خارجی و امنیت ملی دولت‌ها دارد (Wendt, 1999).

در ادبیات روابط بین‌الملل، بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که سیاست خارجی کشورها بیش از آن‌که صرفاً تابعی از منافع مادی باشد، محصول هویت‌ها و تصاویری است که از خود و دیگری می‌سازند. در این میان، چین به‌عنوان قدرتی در حال خیزش جهانی، از ابتدای دهه ۲۰۱۰ میلادی توجه ویژه‌ای به بازنمایی «دیگری» در اسناد امنیت ملی خود داشته‌است. این اسناد که بخشی از «گزارشات سیاستی» دولت چین محسوب می‌شوند، مهم‌ترین منابع رسمی برای درک ادراکات امنیتی و راهبردی پکن به شمار می‌آیند. به‌ویژه دو سند «استراتژی نظامی چین»^۶ (۲۰۱۵) و «دفاع ملی چین در عصر جدید»^۷ (۲۰۱۹) تصویری روشن از نحوه مواجهه این کشور با محیط امنیتی پیرامونی و جهانی ارائه می‌کنند (State Council Information Office, 2015; 2019).

علاوه بر این، اسناد مهم دیگری در همین بازه زمانی به روابط چین و آمریکا اشاره دارند، از جمله: اجرای سیاست «یک کشور، دو نظام»^۸ در هنگ‌کنگ (State Council, 2014) سیاست قطب شمال چین (Ministry of Foreign Affairs, 2018)، پیشرفت دموکراتیک هنگ‌کنگ تحت چارچوب یک کشور، دو نظام (National People's Congress, 2021) و مسائل مربوط به تایوان و اتحاد دوباره چین در عصر جدید (State Council, 2022). علاوه بر این اسناد، گزارش امنیت ملی چین در عصر جدید (۲۰۲۵) نیز به‌عنوان تازه‌ترین و جامع‌ترین سند سیاستی،

1. Other

2. Self

3. Friend

4. Rival

5. Enemy

6. White Papers

7. China's Military Strategy (2015)

8. China's National Defense in the New Era (2019)

9. One Country, Two System

چشم‌انداز به‌روز و دقیقی از دیدگاه پکن نسبت به ایالات متحده و تحولات جهانی ارائه می‌کند (State Council Information Office, 2025). این گزارش اهمیت روزافزون رقابت چین و آمریکا و تمرکز بر امنیت ملی، فناوری، اقتصاد و روابط بین‌الملل را برجسته می‌سازد و می‌تواند تحلیل‌های پژوهش حاضر را دقیق‌تر و کامل‌تر کند.

ایالات متحده در این اسناد بیش از هر بازیگر دیگری برجسته شده‌است. در حالی که در سال‌های ابتدایی دهه ۲۰۱۰، آمریکا بیشتر به‌عنوان «دیگری رقیب منطقه‌ای» در شرق آسیا و در موضوعاتی مانند تایوان، شبه‌جزیره کره و «دریای چین جنوبی»^۱ بازنمایی می‌شد (Shambaugh, 2018)، از اواخر همان دهه این بازنمایی به سطحی جهانی ارتقا یافت. عواملی چون جنگ تجاری (۲۰۱۸)، رقابت بر سر فناوری‌های پیشرفته و هوش مصنوعی و منازعه بر سر نظم بین‌المللی لیبرال موجب شدند که چین آمریکا را «دیگری رقیب جهانی» معرفی کند (Allison, 2020).

اهمیت این موضوع نه تنها در درک تحولات روابط دوجانبه چین و آمریکا، بلکه در شناخت تغییرات نظم بین‌الملل معاصر است. رقابت این دو قدرت بزرگ، به‌ویژه پس از همه‌گیری کووید-۱۹ و جنگ اوکراین، به یکی از محورهای اصلی نظام بین‌الملل بدل شده‌است (Ikenberry, 2022). از این رو، تحلیل بازنمایی آمریکا به‌عنوان «دیگری» در اسناد امنیت ملی چین، می‌تواند چشم‌اندازی تازه از فهم تحولات سیاست خارجی و امنیتی پکن در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

هدف مقاله حاضر آن است که با تمرکز بر بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۵، تحول بازنمایی ایالات متحده در اسناد امنیت ملی چین را بررسی کند و نشان دهد که چگونه این بازنمایی از سطح منطقه‌ای به سطح جهانی ارتقا یافته و چه پیامدهایی برای روابط خارجی چین به همراه داشته‌است.

۱- مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در زمینه بازنمایی «دیگری» در گفتمان امنیت ملی کشورها انجام شده‌است که نشان می‌دهد نحوه تصویرسازی از بازیگران خارجی، نقشی تعیین‌کننده در جهت‌گیری سیاست خارجی دارد. در خصوص چین، بخش مهمی از پژوهش‌ها بر تحول جایگاه ایالات متحده در گفتمان امنیتی این کشور تمرکز داشته‌اند. به عنوان نمونه، یانگ و لی^۲ (۲۰۱۶) در

^۱. در رابطه با دریای جنوبی چین ذکر این نکته ضروری است که برخی از کشورها این منطقه آبی را «دریای شرق» می‌نامند که منعکس‌کننده ادعاهای دیدگاه‌های متفاوت در خصوص مالکیت و حاکمیت در این منطقه است. اصطلاح دریای جنوبی چین در این مقاله به دلیل رایج بودن آن در ادبیات بین‌المللی و اسناد سیاستی چین انتخاب شده‌است.

^۲. Yang, Y. & Li, M

مقاله «استراتژی نظامی چین ۲۰۱۵: حفظ انقلاب در امور نظامی با ویژگی‌های چینی»^۱ با استفاده از نظریه رئالیسم تدافعی، که بر حفظ امنیت و ثبات در برابر تهدیدات خارجی تأکید دارد، به تحلیل اسناد رسمی چین و استراتژی دفاع فعال پرداخته و اهمیت انقلاب در امور نظامی با ویژگی‌های چینی را برجسته کرده‌اند، اما این پژوهش عمدتاً بر سطح رسمی و محتوای سند متمرکز است و چارچوب نظری مشخصی برای تحلیل گفتمان و بازنمایی ایالات متحده ارائه نمی‌دهد.

لیو^۲ (۲۰۱۹) در پژوهش خود تحت عنوان «استراتژی امنیت ملی چین در عصر رقابت ایالات متحده و چین»^۳ از مفهوم امنیت جامع بهره می‌برد، مفهومی که امنیت را به عنوان یک مفهوم چندبعدی شامل امنیت سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، زیست محیطی و سایبری می‌بیند. در این رویکرد تهدیدات داخلی و خارجی به طور همزمان مورد توجه قرار می‌گیرند و امنیت ملی به عنوان یک فرایند پویا و جامع تحلیل می‌شود. وی در این مقاله تأکید می‌کند که اسناد امنیت ملی چین با گذار از سطح منطقه‌ای، آمریکا را به عنوان رقیبی در عرصه جهانی معرفی کرده‌اند.

در پژوهش‌های جدیدتر، موضوع رقابت فناوری و ژئوپلیتیکی نیز برجسته شده‌است. چانگ^۴ (۲۰۲۱) در مقاله «تکنو-ملی‌گرایی و رقابت فناوری ایالات متحده - چین: هواوی، نسل پنجم و جدال برای رهبری جهانی»^۵ بر نقش جنگ تجاری و فناوری‌های پیشرفته در تشدید بازنمایی منفی از آمریکا در گفتمان امنیتی چین تأکید دارد. وی در این پژوهش از تئوری ملی‌گرایی فناوری بهره می‌برد. این رویکرد بر پیوند میان فناوری و امنیت ملی تأکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه کشورها از سیاست‌های فناوری برای تقویت قدرت ملی و رقابت جهانی استفاده می‌کنند.

همچنین وانگ^۶ (۲۰۲۲) در مقاله «دفاع ملی چین در عصر جدید: روایت‌های راهبردی و بازنمایی ایالات متحده به عنوان دیگری رقیب»^۷ با استفاده از تحلیل محتوای کیفی سند «دفاع ملی چین در عصر جدید» و مطالعه موردی استدلال می‌کند که آمریکا به عنوان مهم‌ترین «دیگری رقیب» در عرصه جهانی تصور شده‌است.

1. China's Military Strategy 2015: Maintaining a "Revolution in Military Affairs with Chinese Characteristics."

2. Liu, F

3. China's national security strategy in the era of U.S.-China competition

4. Chang, M

5. Techno-nationalism and U.S.-China technological rivalry: Huawei, 5G and the struggle for global leadership

6. Wang, J

7. China's National Defense in the New Era: Strategic narratives and the construction of the U.S. as the rival "Other."

در میان منابع فارسی کریمی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی دیگر تحت عنوان «نهادسازی موازی گامی در جهت گذار صلح آمیز نظم بین‌الملل: زنجیره ارزش چین محور در برابر نظم آمریکایی» با استفاده رویکرد نهادسازی اقتصادی و تحلیل گذار قدرت به بررسی نقش نهادسازی‌های اقتصادی چین، مانند بانک آسیایی سرمایه‌گذاری زیرساخت، بانک توسعه جدید بریکس، ابتکار «یک کمربند، یک جاده» و طرح مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای، در شکل‌دهی به یک زنجیره ارزش اقتصادی غیرآمریکایی و گذار مسالمت‌آمیز نظم بین‌الملل و به پیوند میان رقابت راهبردی چین و آمریکا و تحولات نظم بین‌المللی پرداخته‌اند. این رویکرد به تحلیل‌های ساختاری و نهادی متمرکز است و کمتر به تحلیل‌های گفتمانی و هویتی بازنمایی‌ها توجه دارد.

احمدی (۱۴۰۲) در مقاله «جغرافیای سیاسی مناقشات در دریای چین جنوبی» از رویکرد ژئوپلیتیک و تحلیل جغرافیای سیاسی بهره گرفته‌است و با تمرکز بر سیاست‌های امنیتی چین، به نقش آمریکا در منازعات دریای چین جنوبی اشاره می‌کند. این مقاله با تمرکز بر ابعاد فیزیکی و جغرافیایی منطقه، مانند جزایر، صخره‌ها و ارتفاعات جزر و مدی و نیز ادعاهای سرزمینی کشورهای ساحلی، به تبیین مناقشات دریای چین جنوبی می‌پردازد. این رویکرد اطلاعات مفیدی درباره وضعیت جغرافیایی و موقعیت کشورهای منطقه ارائه می‌دهد.

با مروری بر آثار موجود می‌توان ای گونه بیان کرد که در اکثر این آثار، تنها به یک سند خاص پرداخته شده است و مقایسه‌ای میان اسناد امنیت ملی مختلف چین ارائه نشده است. دوم اینکه در هیچ کدام از این آثار از منظر نظری سازه انگاری و تاکید بر الگوهای ارتباطی سه گانه ونت، به چگونگی بازنمایی چین از تهدیدات امنیت ملی خود پرداخته نشده است. در واقع این اثر با استفاده از یک رویکرد معناگرایانه و تاکید بر مفهوم بازنمایی به بررسی تحول بازنمایی ایالات متحده به عنوان «دیگری» در اسناد امنیت ملی چین: از رقیب منطقه‌ای تا رقیب جهانی می‌پردازد.

۲- چارچوب مفهومی: هویت و الگوهای ارتباطی سه گانه از منظر ونت

در اندیشه الکساندر ونت به عنوان سازه انگار سیستمی، هویت دولت‌ها نه در خلأ، بلکه در تعامل با سایر کنشگران شکل می‌گیرد. بنابراین در این رویکرد، دولت‌ها تنها بر اساس منافع عینی و مادی عمل نمی‌کنند، بلکه برداشت‌های هویتی و تصورات متقابل از «خود» و «دیگری» نقش اساسی در تعیین سیاست خارجی ایفا می‌کند. این هویت‌ها بر اساس تعریف «خود» و «دیگری» ساخته می‌شوند و این دیگری می‌تواند در قالب «دوست»، «رقیب» یا «دشمن»

بازنمایی شود بدین ترتیب، سیاست خارجی هر دولت بازتابی از چگونگی تعریف آن دولت از دیگری است (Wendt, 1999). ونت با تاکید بر «هویت مبنی بر نقش»^۱ این هویت را در رابطه با خود و دیگری مطرح می نماید و بیان می کند که این هویت در تعامل با دیگران شکل می گیرد (ونت، ۱۳۸۴: ۳۳۴-۳۲۶).

مطابق با این برداشت می توان این گونه بیان کرد که هویت در اصل، پدیده‌ای اجتماعی است که در پیوند با عضویت‌های گروهی و همچنین در تقابل با یک «دگر» معنا پیدا می کند و دارای دو بعد اصلی است: همسانی یعنی همانند بودن فرد با سایر کسانی که هویتی مشابه دارند و «تمایز» به معنی همانند خود و متمایز از دیگران بودن در طی زمان (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴).

ونت همچنین با تاکید بر مفهوم هویت و برداشت‌های هویتی دولت‌ها از یکدیگر، بر این باور است که بر اساس همین برداشت‌های هویتی می توان سه نوع الگوی ارتباطی میان دولت‌ها مورد شناسایی قرار داد: الگوی کانتی (دوستی)، الگوی هابزی (دشمنی) و الگوی لاکي (رقابت). هر یک از وضعیت‌ها متضمن حالت یا سمت‌گیری خاص خود نسبت به دیگری از نظر کاربرد خشونت است (ونت، ۱۳۸۴: ۳۷۶-۳۷۵).

در فرهنگ کانتی اصل بر همکاری و عدم توسل به خشونت میان خود و دیگری است و نقش غالب در این فرهنگ، دوستی می باشد. در این جا، خود و دیگری با هم متحد هستند و خشونت علیه یکدیگر را کنار می گذارند و منافع و تهدیدات‌شان با هم مشترک می شود. در این جا، بازی برد- برد میان دو بازیگر وجود دارد. در فرهنگ کانتی دو قاعده اساسی وجود دارد: «قاعده عدم خشونت»^۲ و «قاعده کمک متقابل»^۳. البته دوستی تنها به امنیت ملی مربوط می شود و ضرورتی ندارد به سایر حوزه‌های موضوعی، تسری یابد (ونت، ۱۳۸۴: ۴۳۶-۴۳۴).

در فرهنگ لاکي (رقابت) خود و دیگری دارای منافع مشترک و متعارض هستند، به عبارتی دولت‌ها در فرهنگ لاکي، با هم دیگر رقابت می کنند، اما این رقابت منجر به نابودی طرفین نمی شود. رقیبان هم مانند دشمنان بر اساس بازنمایی‌هایی درباره خود و دیگری و در ارتباط با خشونت شکل می گیرند، اما این بازنمایی‌ها کمتر جنبه تهدیدآمیز دارند. بنابراین خشونت موجود در فرهنگ لاکي، محدود است (Wendt, 1999: 279).

¹. Role-based Identity

². The Rule of Non-violence

³. The Role of Mutual Aid

رقابت در فرهنگ لاکی همچنین سه پیامد برای سیاست خارجی دولت‌ها دارد:

۱. دولت‌ها هر نوع تعارضی که داشته باشند، باید به حق حاکمیت یک‌دیگر احترام بگذارند،
۲. قدرت نظامی کماکان اهمیت نسبی خود را دارد، اما معنای آن برای رقبا با معنایی که برای دشمنان دارد، متفاوت است،
۳. اگر اختلاف منجر به جنگ شد، رقیبان خشونت خود را محدود خواهند کرد.

در فرهنگ هابزی (دشمنی) خشونت میان خود و دیگران فاقد محدودیت‌های درونی است و اصطلاحاً به «جنگ همه علیه همه» معروف است. بنابراین هرگونه اقدامات «دیگری» برای «خود»، تهدیدآمیز تلقی می‌شود. در این فرهنگ، تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران وجود دارد و اگر جنگی هم رخ دهد دولت‌ها زورشان را محدود نخواهند کرد. نظامی که در آن فرهنگ هابزی غالب است، به معنای واقعی یک دولت خودیار است چرا که در این نظام کنش‌گران نمی‌توانند روی کمک دیگران حساب کنند و خویش‌داری را رعایت کنند. بقاء صرفاً وابسته به قدرت نظامی است و این یعنی افزایش امنیت «الف» لزوماً امنیت «ب» را کاهش می‌دهد و «ب» هرگز نمی‌تواند مطمئن باشد که توان‌مندی‌های «الف» تدافعی هستند. امنیت امری عمیقاً رقابت‌آمیز و حاصل جمع صفر است و معمای امنیت به‌طور خاص شدید است، اما نه به دلیل ماهیت سلاح‌ها، یعنی موازنه تهاجمی - تدافعی، بلکه به دلیل نیاتی که به دیگران نسبت داده می‌شود (ونت، ۱۳۸۴).

۳- روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی است که تحلیل داده‌ها در آن بر اساس بهره‌گیری از رویکرد نظری بر یک مطالعه موردی خاص است. داده‌های پژوهش نیز بر اساس داده‌های اسناد دسته اول است. اسناد مورد تحلیل شامل اسناد امنیت ملی چین است. گردآوری داده‌ها نیز از طریق استفاده از منابع استنادی و مجازی است.

۴- یافته‌ها و تحلیل

۱.۴ تحول بازنمایی ایالات متحده در اسناد امنیت ملی چین (۲۰۲۵-۲۰۱۴)

تحلیل کیفی اسناد رسمی چین نشان می‌دهد که تصویر ایالات متحده طی یک دهه اخیر دچار تغییر بنیادین شده است. در سند ۲۰۱۵، ایالات متحده عمدتاً به‌عنوان یک رقیب امنیتی

در سطح منطقه‌ای معرفی می‌شود؛ تمرکز اصلی سند بر مسائل پیرامون منطقه آسیا و اقیانوسیه، حضور نظامی ایالات متحده در این منطقه و سیاست‌های «چرخش بسوی آسیای اوباما»^۱ بود. در مقابل، در سند ۲۰۱۹، ایالات متحده به‌عنوان چالش اصلی در سطح جهانی بازنمایی شده‌است. چین در این سند، ایالات متحده را متهم به یکجانبه‌گرایی، مداخله‌گری و تلاش برای مهار جهانی خود می‌کند (State Council Information Office, 2015; 2019). این مقایسه نشان می‌دهد که طی این فاصله زمانی، بازنمایی ایالات متحده از سطح منطقه‌ای به سطح جهانی ارتقا یافته‌است. برای روشن‌تر شدن این تحول، جدول زیر به‌صورت تطبیقی مهم‌ترین مضامین مربوط به ایالات متحده در دو سند یادشده را مقایسه می‌کند.

جدول ۱: مقایسه بازنمایی ایالات متحده در اسناد امنیت ملی چین

ویژگی‌های کلیدی تصویر ایالات متحده	سطح بازنمایی آمریکا	نام سند	سال انتشار
تأکید بر حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیا و اقیانوسیه؛ نگرانی از استقرار سامانه‌های موشکی؛ نقش آمریکا در امنیت دریای چین جنوبی	رقیب منطقه‌ای	استراتژی نظامی چین	۲۰۱۵
انتقاد از یکجانبه‌گرایی و سیاست‌های مهار؛ معرفی آمریکا به‌عنوان تهدید اصلی نظم بین‌الملل؛ تمرکز بر رقابت قدرت‌های بزرگ	رقیب و چالش جهانی	دفاع ملی چین در عصر جدید	۲۰۱۹

منبع: یافته‌های نویسندگان

به‌این ترتیب، گذار از بازنمایی ایالات متحده به‌عنوان یک رقیب منطقه‌ای (۲۰۱۵) به یک چالش جهانی (۲۰۱۹) نشان‌دهنده‌ی تحولی بنیادین در درک چین از جایگاه ایالات متحده است. این تحول نه تنها بیانگر تغییر در سیاست دفاعی و امنیتی چین است، بلکه به‌طور مستقیم بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور نیز اثرگذار بوده و زمینه را برای رقابت ساختاری با ایالات متحده در سال‌های بعد فراهم کرده‌است.

¹. Pivot to Asia

۲.۴) تحلیل سند «استراتژی نظامی چین» (۲۰۱۵)

سند «استراتژی نظامی چین» که در ماه مه ۲۰۱۵ از سوی شورای دولتی و کمیسیون نظامی مرکزی منتشر شد، نقطه عطفی در بازنمایی ایالات متحده به عنوان «دیگری» محسوب می‌شود. تحلیل سند استراتژی نظامی چین (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که ایالات متحده در این مقطع بیشتر به عنوان رقیب امنیتی در سطح منطقه‌ای بازنمایی شده است. تمرکز اصلی سند بر محیط امنیتی پیرامونی چین و به ویژه منطقه آسیا و اقیانوسیه است. در این چارچوب، حضور نظامی ایالات متحده در دریای چین جنوبی، حمایت آن از تایوان و استقرار نیروهایش در شبه جزیره کره به عنوان تهدید مستقیم علیه منافع امنیتی چین معرفی می‌شوند. همچنین سند، سیاست «چرخش به سوی آسیای اوباما» دولت اوباما را به عنوان نشانه‌ای از افزایش فشار ایالات متحده بر چین تفسیر می‌کند. در مجموع، در این دوره ایالات متحده بیشتر به عنوان مانعی برای امنیت منطقه‌ای چین بازنمایی می‌شود تا رقیبی جهانی. این حضور، از دید پکن، توازن امنیتی منطقه را بر هم زده و باعث شکل‌گیری «فشار استراتژیک»^۱ بر چین شده است (State Council Information Office of the PRC, 2015).

به بیان دیگر، سند ۲۰۱۵ آمریکا را در مقام «دیگری رقیب یا مزاحم»^۲ معرفی می‌کند که مانع تحقق اهداف امنیتی و توسعه‌ای چین در محیط پیرامونی‌اش است. در حوزه نظامی، سند بر برتری دریایی و قدرت فرافکننده آمریکا تأکید دارد و حضور نظامی این کشور در دریای چین جنوبی و شرق آسیا را تهدیدی برای منافع حیاتی چین می‌داند (Erickson, 2016). از سوی دیگر، سند ۲۰۱۵ علاوه بر تهدیدات سنتی، بر «تهدیدات نوظهور» نیز تأکید می‌کند که آمریکا در آن‌ها نقش پررنگی دارد؛ از جمله امنیت سایبری، رقابت در حوزه فضا، و اشاعه فناوری‌های پیشرفته نظامی. این موارد، تصویری چندلایه از ایالات متحده به عنوان «دیگری رقیب» ارائه می‌دهد که نه تنها در حوزه نظامی کلاسیک، بلکه در عرصه‌های نوین امنیتی نیز چالش‌آفرین است (Shambaugh, 2018).

مهم‌ترین محورهای بازنمایی ایالات متحده در سند استراتژی نظامی چین در سال ۲۰۱۵ در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد:

^۱. Strategic Pressure

^۲. The Rival or Threatening Other

جدول ۲: محورهای اصلی بازنمایی ایالات متحده در «استراتژی نظامی چین» (۲۰۱۵)

محور	نوع بازنمایی آمریکا	توضیحات
سطح تهدید	رقیب منطقه‌ای	تمرکز بر حضور و نفوذ آمریکا در شرق آسیا و سیاست «چرخش به سوی آسیای اوباما»
نظامی - امنیتی	عامل بی ثباتی	تأکید بر افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیا و اقیانوسیه، رزمایش‌ها و اتحادهای منطقه‌ای
سیاسی - ژئوپلیتیکی	قدرت مداخله‌گر	اشاره به نقش «نیروهای خارجی» در تحریک مسائل حساس مانند تایوان و دریای چین جنوبی (کنایه به آمریکا).
تایوان	تهدید غیرمستقیم	تاکید بر خطر حمایت خارجی از جریان‌های جدایی طلب؛ اشاره غیرمستقیم به فروش تسلیحات آمریکا به تایوان
تهدیدات نوظهور	غیرمحوری	در این سند تمرکز بیشتر بر تهدیدات منطقه‌ای است؛ تهدیدات نوظهور مثل سایبری یا فضا فقط به‌طور کلی ذکر می‌شوند.

منبع: یافته‌های نویسندگان

۳.۴ تحلیل سند «دفاع ملی چین در عصر جدید» (۲۰۱۹)

این سند نسبت به سند ۲۰۱۵، رویکردی جهانی‌تر و صریح‌تر در بازنمایی ایالات متحده اتخاذ می‌کند. در حالی که در ۲۰۱۵ بیشتر تمرکز بر تهدیدهای منطقه‌ای بود (تایوان، دریای چین جنوبی، حضور نظامی آمریکا در شرق آسیا)، در ۲۰۱۹ ایالات متحده به‌وضوح به‌عنوان رقیب جهانی و نظامی مطرح می‌شود. به‌طور کلی، سند ۲۰۱۹ نشان‌دهنده تغییر در نوع بازنمایی آمریکا در گفتمان امنیت ملی چین است:

- از «دیگری منطقه‌ای»^۱ در دهه‌های پیشین،
- به «دیگری جهانی»^۲ که در ابعاد مختلف نظامی، فناوری و ژئوپلیتیکی به‌عنوان رقیب اصلی چین مطرح می‌شود.

1. The Regional Other

2. The Global Other

برخی محورهای کلیدی بازنمایی آمریکا در این سند عبارت‌اند از:

۱. **رقابت جهانی:** سند به روشنی اعلام می‌کند که آمریکا سیاست «یک‌جانبه‌گرایی»^۱ و «سیاست قدرت»^۲ را دنبال می‌کند و تلاش دارد نظم بین‌المللی را به نفع خود بازتولید کند. این توصیفات، آمریکا را از سطح یک رقیب منطقه‌ای فراتر برده و در جایگاه یک چالش‌گر نظم جهانی قرار می‌دهد (Ministry of National Defense of PRC, 2019).

۲. **مناقشات امنیتی و فناوری‌های نوین:** چین در سند ۲۰۱۹ تأکید می‌کند که ایالات متحده در حوزه‌هایی چون فضای سایبری، فضا، تسلیحات پیشرفته و فناوری‌های نوین، راهبردی خصمانه در برابر چین اتخاذ کرده است. این امر نشان می‌دهد که بازنمایی آمریکا به‌عنوان «دیگری»، به حوزه‌هایی فراتر از مرزهای فیزیکی و نظامی گسترش یافته است. همچنین محدودیت‌های آمریکا علیه شرکت‌هایی مانند هواوی و تلاش برای جلوگیری از دسترسی چین به فناوری‌های نیمه‌هادی، در ادبیات امنیتی به‌عنوان «جنگ فناوری»^۳ بازنمایی شد. این حوزه، آمریکا را به «دیگری فناوری‌ها»^۴ ارتقا داد (Ministry of National Defense of PRC, 2019).

۳. **محور تایوان:** موضوع تایوان همچنان یکی از حساس‌ترین نقاط در بازنمایی آمریکا است. سند ۲۰۱۹ آشکارا به فروش تسلیحات آمریکا به تایوان به‌عنوان تهدیدی جدی اشاره می‌کند و آن را مداخله مستقیم در امور داخلی چین می‌داند (Ministry of National Defense of PRC, 2019). با رهبران چین تایپه و حمایت آشکار واشنگتن از مشارکت تایوان در نهادهای بین‌المللی، در اسناد رسمی چین به‌عنوان «مداخله در امور داخلی»^۵ معرفی می‌شود. در همین چارچوب، مسئله تایوان و فروش تسلیحات آمریکا به این جزیره نیز به‌عنوان مصداقی روشن از سیاست «مداخله جویانه» ایالات متحده ذکر می‌شود. این بازنمایی، ایالات متحده را در مقام بازیگری قرار داد که مانع تحقق «هویت چین یکپارچه»^۶ می‌شود.

۴. **ائتلاف‌سازی و مهار چین:** سند به تلاش آمریکا برای تقویت ناتو، همکاری با ژاپن، کره جنوبی و استرالیا و ایجاد سازوکارهای امنیتی جدید در آسیا - اقیانوسیه اشاره دارد. این

1. Unilateralism

2. Power Politics

3. Technological war

4. The global technological Other

5. Intervention in domestic affairs

6. The unified Chinese identity

بازنمایی نشان می‌دهد که ایالات متحده نه تنها در سطح دوجانبه بلکه در سطح چندجانبه به دنبال مهار چین است (Ministry of National Defense of PRC, 2019). ائتلاف‌های واشنگتن با ژاپن، کره جنوبی و استرالیا به عنوان تهدیدی ساختاری تفسیر می‌شدند. در ادبیات چینی، این ائتلاف‌ها به معنای «محاصره استراتژیک»^۱ و محدودسازی آزادی عمل چین بودند.

جدول ۳: محورهای اصلی بازنمایی ایالات متحده در «دفاع ملی چین در عصر جدید» (۲۰۱۹)

محور	محتوای سند ۲۰۱۹	تصویر از آمریکا
سطح تهدید	معرفی آمریکا به عنوان مهم‌ترین چالش امنیتی در سطح جهانی	«دیگری جهانی» و رقیب اصلی چین
یکجانبه‌گرایی هژمونی	انتقاد شدید از سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه و تلاش برای مهار چین	آمریکا متهم به حفظ هژمونی و مداخله‌گری
امنیت منطقه‌ای (آسیا و اقیانوسیه)	اشاره به ائتلاف‌های امنیتی آمریکا و افزایش حضور نظامی در منطقه	منبع بی‌ثباتی منطقه‌ای
تایوان	تاکید بر فروش تسلیحات آمریکا به تایوان و حمایت از جدایی طلبان	تهدید مستقیم به حاکمیت و تمامیت ارضی چین
فناوری و جنگ نوین	تاکید بر رقابت در حوزه سایبری، فضایی و فناوری‌های پیشرفته	آمریکا به عنوان رقیب فناورانه چین
تصویر کلی آمریکا	عامل اصلی چالش‌های امنیتی و بین‌المللی	«دیگری رقیب جهانی»

منبع: یافته‌های نویسندگان

۴.۴ بررسی اسناد مکمل سیاست ملی چین (۲۰۲۲-۲۰۱۴)

افزون بر اسناد «استراتژی نظامی چین» (۲۰۱۵) و «دفاع ملی در عصر جدید» (۲۰۱۹)، چند گزارش سیاستی رسمی دیگر نیز در فاصله‌ی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲ منتشر شده‌اند که حاوی اشارات صریح و تلویحی به بازنمایی ایالات متحده هستند. مرور این اسناد نشان می‌دهد که برداشت چین از آمریکا در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، فناورانه و نهادی به تدریج از «رقیب منطقه‌ای» به «چالش‌گر نظم جهانی» ارتقا یافته‌است.

^۱. Strategic Encirclement

۱. گزارش «اجرای سیاست یک کشور، دو نظام در هنگ کنگ» (۲۰۱۴)

در این گزارش، دولت چین بر لزوم مقابله با «دخالت خارجی در امور داخلی هنگ کنگ» تأکید کرده و به صورت ضمنی ایالات متحده و بریتانیا را مسئول تحریک ناآرامی‌های اجتماعی در منطقه معرفی می‌کند (State Council Information Office of the PRC, 2014). این سند، نخستین نمونه‌ی رسمی بازنمایی آمریکا به عنوان عامل بی‌ثبات کننده در چارچوب سیاست «یک کشور، دو نظام» است.

۲. گزارش «سیاست قطب شمال چین» (۲۰۱۸)

در این سند، چین خود را «کشور نزدیک به قطب شمال» معرفی کرده و بر حق مشارکت مشروع خود در حکمرانی این منطقه تأکید می‌نماید. هم‌زمان، ایالات متحده به عنوان قدرتی تصویر می‌شود که با تکیه بر ائتلاف‌های سنتی و ساختارهای انحصاری، می‌کوشد حضور چین در حوزه‌های جدید حکمرانی جهانی را محدود کند (State Council Information Office of the PRC, 2018). این بازنمایی، آمریکا را در مقام «دیگری انحصارگر جهانی» تثبیت می‌کند.

۳. گزارش «هنگ کنگ: پیشرفت دموکراتیک تحت چارچوب یک کشور، دو نظام» (۲۰۲۱)

در این گزارش، دولت پکن ضمن دفاع از اصلاحات انتخاباتی در هنگ کنگ، آشکارا از «مداخله ایالات متحده و برخی کشورهای غربی در روند دموکراتیک چین» انتقاد می‌کند و آن را بخشی از سیاست مهار نرم علیه چین می‌داند (State Council Information Office of the PRC, 2021). در این چارچوب، آمریکا به عنوان کنشگری بازنمایی می‌شود که از طریق ابزارهای هنجاری و گفتمانی به چالش مشروعیت چین می‌پردازد.

۴. گزارش «مسئله تایوان و اتحاد دوباره چین در عصر جدید» (۲۰۲۲)

این سند یکی از جامع‌ترین بیانیه‌های رسمی درباره‌ی مسئله تایوان است و ایالات متحده را به «تحریک فعالیت‌های جدایی طلبانه و نقض اصل چین واحد» متهم می‌کند (Taiwan Affairs Office & State, 2022). در این سند، آمریکا به عنوان «دیگری تهدیدزا» معرفی می‌شود که با فروش تسلیحات و تعامل سیاسی با تایپه، امنیت ملی و تمامیت ارضی چین را به چالش می‌کشد.

در مجموع، تحلیل این اسناد نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۴ به بعد، بازنمایی ایالات متحده در اسناد رسمی چین از سطح «دیگری مداخله‌گر منطقه‌ای» به سطح «دیگری تهدید جهانی» گسترش یافته است. این روند، در امتداد تحول گفتمان امنیتی چین از تمرکز بر «امنیت پیرامونی» به سوی «امنیت جامع و جهانی» قابل تفسیر است.

۵.۴. بررسی مقایسه‌ای بازنمایی ایالات متحده در اسناد امنیت ملی چین (۲۰۱۵ و ۲۰۱۹)
بررسی مقایسه‌ای این دو سند نشان می‌دهد که بازنمایی آمریکا در گفتمان امنیتی چین طی کمتر از یک دهه دچار تحول کیفی شده است. در ادامه، مهم‌ترین تفاوت‌ها بررسی می‌شود:

۱.۴.۴. سطح تهدید

- سند ۲۰۱۵: آمریکا عمدتاً به عنوان چالش منطقه‌ای در حوزه شرق آسیا بازنمایی شد. تمرکز بر حضور نظامی آمریکا در ژاپن و کره جنوبی و نقش آن در بحران تایوان بود.

- سند ۲۰۱۹: آمریکا به سطح تهدید جهانی ارتقا یافت و به عنوان قدرتی معرفی شد که از «یک‌جانبه‌گرایی» و «سیاست قدرت» برای مهار چین استفاده می‌کند.

در رابطه با تایوان نکته قابل توجه آن است که مسئله تایوان در هر دو سند ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ به عنوان کانون اصلی اختلافات امنیتی میان چین و آمریکا بازنمایی شده است. با این حال، سطح و معنای این بازنمایی تفاوت دارد: در سند ۲۰۱۵، تایوان عمدتاً بخشی از چالش‌های منطقه‌ای و مرتبط با امنیت پیرامونی چین تلقی شد؛ اما در سند ۲۰۱۹، همان مسئله در پیوند با رقابت کلان میان چین و ایالات متحده و در چارچوب تهدید جهانی بازتعریف گردید. بدین ترتیب، تداوم تأکید بر تایوان نشان‌دهنده ثبات در اولویت‌های امنیتی چین است، در حالی که تغییر در سطح بازنمایی آن بیانگر تحول در نگاه پکن به جایگاه آمریکا در ساختار نظام بین‌الملل است.

۲.۴.۴. حوزه‌های رقابت

- سند ۲۰۱۵: تمرکز بر حوزه‌های سنتی امنیتی؛ به‌ویژه دریای چین جنوبی، تایوان و امنیت دریایی.

- سند ۲۰۱۹: رقابت به حوزه‌های نوین مانند فضا، سایبر و فناوری‌های پیشرفته گسترش یافت.

۳.۴.۴. نوع بازنمایی آمریکا

- سند ۲۰۱۵: آمریکا در قالب «دیگری رقیب منطقه‌ای» بازنمایی شد. لحن سند بیشتر محتاطانه و غیرمستقیم بود.
- سند ۲۰۱۹: آمریکا در قالب «دیگری رقیب جهانی» معرفی گردید. لحن سند صریح‌تر و انتقادی‌تر شد، به‌ویژه در زمینه محاصره دیپلماتیک و ائتلاف‌سازی.

۴.۴.۴. پیامدهای سیاستی برای چین

- سند ۲۰۱۵: نتیجه بازنمایی بیشتر بر تقویت امنیت پیرامونی چین (شرق و جنوب آسیا) متمرکز بود.
 - سند ۲۰۱۹: پیامد بازنمایی، جهت‌گیری به سمت سیاست خارجی فعال‌تر و جهانی‌تر بود؛ ازجمله تعمیق روابط با روسیه و ابتکاراتی مانند «یک پهنه یک راه»^۱ به‌عنوان ابزار موازنه در برابر آمریکا.
- افزون بر این، در سند ۲۰۱۹ ابتکار «یک پهنه یک راه» به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی چین برای موازنه با ایالات متحده مورد تأکید قرار می‌گیرد. این ابتکار که در سال ۲۰۱۳ و در واکنش غیرمستقیم به سیاست «چرخش به سوی آسیا» دولت اوباما (۲۰۱۱) مطرح شد، با هدف گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی چین در آسیا و فراتر از آن طراحی شد. در سال‌های بعد، به ویژه در فاصله انتشار سند ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹، این طرح توسعه‌ای عمیق‌تر یافت و از یک پروژه زیرساختی به راهبردی ژئواقتصادی و امنیتی تبدیل شد که نقش مهمی در کاهش وابستگی چین به مسیرهای دریایی تحت نفوذ آمریکا و افزایش قدرت نرم پکن ایفا می‌کند. از منظر اسناد رسمی چین، ابتکار یک پهنه یک راه نه تنها ابزار اقتصادی بلکه جزء لاینفک سیاست امنیتی و راهبرد چندجانبه‌گرایانه پکن محسوب می‌شود که مکمل راهبرد دفاعی در برابر مهار آمریکا است و در چارچوب سند ۲۰۱۹ به عنوان عامل تقویت جایگاه جهانی چین معرفی شده است (خوش‌هیکل آزاد، ۱۴۰۳).

^۱. Belt and Road Initiative (BRI)

جدول ۴: مقایسه بازنمایی ایالات متحده در اسناد ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ چین

محور	سند ۲۰۱۵	سند ۲۰۱۹
سطح تهدید	رقیب منطقه‌ای (شرق آسیا)	رقیب جهانی و استراتژیک
حوزه رقابت	امنیت دریایی، تایوان، دریای چین جنوبی	فناوری‌های نوین، سایبر، فضا، نظم جهانی
لحن بازنمایی	محتاطانه، غیرمستقیم	صریح، انتقادی و جهانی
پیامدهای سیاستی	تمرکز بر امنیت پیرامونی	جهت‌گیری به سوی سیاست جهانی و همکاری راهبردی

منبع: یافته‌های نویسندگان

بدین ترتیب، بازنمایی ایالات متحده از سال ۲۰۱۸ به بعد از یک رقیب منطقه‌ای به یک رقیب جهانی ارتقا یافت. این تغییر نه تنها در لحن اسناد امنیتی، بلکه در اقدامات عملی چین مانند تعمیق روابط با روسیه و ترویج ابتکار «یک پهنه یک راه» نیز انعکاس یافت.

۵- پیامدهای بازنمایی آمریکا در سیاست خارجی چین

بازنمایی ایالات متحده به عنوان «دیگری رقیب جهانی» پیامدهای گسترده‌ای برای سیاست خارجی و امنیتی چین داشت. این پیامدها را می‌توان در دو سطح منطقه‌ای و جهانی بررسی کرد:

۱.۵) پیامدهای منطقه‌ای

افزایش بودجه دفاعی و مدرن‌سازی ارتش: چین در واکنش به تهدیدات آمریکا، روند مدرن‌سازی «ارتش آزادی‌بخش خلق»^۱ را سرعت بخشید (Erickson, 2019). تشدید مواضع در دریای چین جنوبی و تایوان: حضور نظامی چین در این مناطق افزایش یافت و مواضع دیپلماتیک پکن صریح‌تر شد.

سیاست «امنیت پیرامونی فعال»^۲: چین با کشورهای همسایه مانند پاکستان، ایران و برخی کشورهای آسیای مرکزی همکاری امنیتی خود را تعمیق کرد تا فشار آمریکا را در شرق آسیا متوازن سازد.

^۱. The People's Liberation Army (PLA)

^۲. Active Peripheral Security

۲.۵) پیامدهای جهانی

تقویت همکاری با روسیه: نزدیکی راهبردی پکن - مسکو در حوزه‌های انرژی، فناوری و امنیتی به‌طور چشمگیری افزایش یافت (Lo, 2020). توسعه ابتکار یک پهنه یک راه: چین از این ابتکار به‌عنوان ابزاری ژئوپلیتیکی برای موازنه با آمریکا استفاده کرد. حضور فعال‌تر در نهادهای چندجانبه: پکن نقش پررنگ‌تری در سازمان ملل، بریکس و شانگهای ایفا کرد و تلاش نمود خود را به‌عنوان مدافع چندجانبه‌گرایی معرفی کند (Ikenberry, 2022).

۶- پس از ۲۰۲۲ و افق آینده (۲۰۲۳-۲۰۲۵)

تحولات پس از سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که بازنمایی ایالات متحده در اسناد و گفتمان امنیتی چین وارد مرحله‌ای تازه شده است. بحران اوکراین، تشدید تنش‌ها بر سر تایوان و محدودیت‌های فناورانه‌ی آمریکا علیه چین، سه متغیر کلیدی در این تحول به شمار می‌آیند. در ادبیات رسمی پکن، ایالات متحده نه صرفاً به‌عنوان رقیب منطقه‌ای یا حتی جهانی، بلکه به‌مثابه بازیگری که به‌طور فعال در پی مهار خیزش چین است معرفی می‌شود (Zhao, 2023). نخست، جنگ اوکراین به فرصتی برای چین بدل شد تا ایالات متحده را مسئول بی‌ثباتی در اروپا معرفی کند. مقامات چینی بارها تصریح کرده‌اند که گسترش ناتو و سیاست‌های یکجانبه‌ی واشنگتن موجب تحریک روسیه و در نهایت وقوع جنگ شده است. به این ترتیب، آمریکا در گفتمان امنیتی چین به‌عنوان معمار «بحران‌های ساختگی»^۱ و بازیگری که امنیت جهانی را فدای منافع ژئوپلیتیک خود می‌کند تصویر شده است (Wang, 2022).

دوم، در حوزه فناوری، محدودیت‌های گسترده‌ی واشنگتن بر صادرات تراشه‌های پیشرفته و همکاری‌های علمی با چین، بازنمایی آمریکا به‌عنوان تهدیدی مستقیم برای توسعه‌ی ملی و امنیت فناورانه‌ی چین را تقویت کرده است. به همین دلیل، پکن در اسناد اخیر خود تأکید بیشتری بر سیاست «خودکفایی فناورانه»^۲ و کاهش وابستگی به غرب داشته است.

سوم، موضوع تایوان پس از سفر نانسی پلوسی به چین تایپه در اوت ۲۰۲۲ بیش از پیش به کانون رقابت چین و آمریکا تبدیل شد. در اسناد و مواضع رسمی، ایالات متحده به‌عنوان اصلی‌ترین حامی جدایی‌طلبی در تایوان بازنمایی شده و ارتش آزادی‌بخش خلق تقویت آمادگی‌های نظامی را در پاسخ به حضور فزاینده‌ی آمریکا در تنگه‌ی تایوان ضروری دانسته

^۱ Fabricated Crises

^۲ Technological Self-Sufficiency

است. با توجه به این روندها، می‌توان افق آینده‌ی بازنمایی آمریکا در سیاست امنیتی چین را در سه سطح خلاصه کرد:

۱. سطح راهبردی جهانی: آمریکا به‌عنوان «دیگری تهدید جهانی»^۱ تصویر می‌شود که نه‌تنها امنیت منطقه‌ای شرق آسیا بلکه ثبات کل نظام بین‌الملل را به خطر می‌اندازد.
۲. سطح فناورانه - اقتصادی: رقابت فناورانه بر سر هوش مصنوعی، انرژی‌های نو و زنجیره‌های تأمین، بازنمایی آمریکا به‌عنوان مانع اصلی توسعه‌ی چین را تثبیت خواهد کرد.
۳. سطح نهادی و ائتلافی: چین به‌طور فزاینده‌ای نهادها و ائتلاف‌های تحت رهبری آمریکا (ناتو^۲، کواد^۳، آکوس^۴) را مصادیقی از سیاست مهار بازنمایی می‌کند و در مقابل بر ابتکارهایی چون «ابتکار امنیت جهانی»^۵ و «یک پهنه یک راه» تأکید می‌ورزد.

۱.۶ گزارش سیاستی ۲۰۲۵: «امنیت ملی چین در عصر جدید»^۶

در ادامه روند تحول گفتمان امنیتی چین، گزارش سیاستی «امنیت ملی چین در عصر جدید» که در ۱۲ مه ۲۰۲۵ از سوی دفتر اطلاع‌رسانی شورای دولتی جمهوری خلق چین منتشر شد، نقطه‌عطفی در بازنمایی امنیت و تهدید در سیاست خارجی این کشور به شمار می‌آید (State Council Information Office of the PRC, 2025). این سند ضمن تداوم اصول پیشین امنیت ملی، ابعاد تازه‌ای از گفتمان امنیتی چین را برجسته می‌کند:

۱. سطح نظامی و امنیتی: محدودیت‌ها و حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیا و اقیانوسیه، فشار بر تایوان و ائتلاف‌سازی‌های منطقه‌ای همچنان به‌عنوان تهدید مستقیم برای امنیت چین بازنمایی می‌شوند.
۲. سطح فناورانه و اقتصادی: اقدامات محدودکننده آمریکا بر صادرات فناوری‌های پیشرفته و همکاری‌های علمی، به‌ویژه در حوزه تراشه‌ها و هوش مصنوعی، نشان‌دهنده بازنمایی آمریکا به‌عنوان تهدیدی برای توسعه فناورانه و استقلال اقتصادی چین است.
۳. سطح دیپلماتیک و نهادی: آمریکا در گفتمان امنیتی چین به‌عنوان بازیگری که از طریق سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، مانند ناتو و کواد، برای مهار چین اقدام می‌کند معرفی

1. The global threat Other

2. North Atlantic Treaty Organization (NATO)

3. Quadrilateral Security Dialogue (QUAD)

۴. آکوس یا اوکوس (AUKUS) یک پیمان امنیتی سه جانبه بین استرالیا، ایالات متحده آمریکا و بریتانیا است.

5. Global Security Initiative

6. China's National Security in the New Era

شده‌است. چین در پاسخ، تقویت ابتکارات خود مانند «یک پهنه یک راه» و «ابتکار امنیت جهانی» را دنبال می‌کند.

این تحلیل نشان می‌دهد که چین در گزارش ۲۰۲۵، آمریکا را نه تنها به‌عنوان رقیب منطقه‌ای یا جهانی، بلکه به‌عنوان تهدیدی چندبعدی می‌بیند و با اقدامات راهبردی و ابتکارات بین‌المللی، تلاش دارد اثرگذاری این تهدید را کاهش دهد و موقعیت خود را در نظم جهانی تقویت کند. برخلاف اسناد پیشین، گزارش ۲۰۲۵ تأکید بیشتری بر «تهدیدات ساختاری و چندسطحی» آمریکا دارد؛ از جمله محدودیت‌های فناوریانه، فشارهای دیپلماتیک و ائتلاف‌سازی‌های منطقه‌ای، که چین آن‌ها را به‌عنوان موانع رشد و نفوذ خود در عرصه جهانی ارزیابی می‌کند. در مجموع «گزارش سیاستی ۲۰۲۵» نشان می‌دهد که گفتمان امنیت ملی چین در مسیر تعمیق مفاهیم خودکفایی فناوریانه، امنیت توسعه‌محور و مقابله با تهدیدات ساختگی حرکت کرده‌است. این سند نه تنها استمرار منطق پیشین امنیتی چین را تأیید می‌کند، بلکه جهت‌گیری آینده‌نگرانه‌ای را در بازنمایی آمریکا و نظم بین‌المللی ترسیم می‌نماید (State Council Information Office, 2025).

بر این اساس، انتظار می‌رود در دهه‌ی پیش رو، بازنمایی ایالات متحده در اسناد امنیت ملی چین از سطح «دیگری رقیب» به سطح «دیگری تهدید» ارتقا یابد. این تغییر نه تنها پیامدهای مهمی برای روابط دوجانبه چین و آمریکا خواهد داشت، بلکه بر الگوهای نظم بین‌المللی نیز تأثیرگذار خواهد بود.

جدول ۵: تحول بازنمایی ایالات متحده در گفتمان امنیت ملی چین (۲۰۲۵-۲۰۱۴)

پيامدهای سیاستی	نوع بازنمایی آمریکا	حوزه‌های اصلی رقابت	سطح بازنمایی	دوره زمانی
تمرکز بر امنیت پیرامونی	تهدید امنیت منطقه‌ای	تایوان، دریای چین جنوبی، ائتلاف‌های منطقه‌ای	رقیب منطقه‌ای	۲۰۱۴- ۲۰۱۷
تعمیق روابط با روسیه، گسترش «یک پهنه یک راه»	چالش جهانی	جنگ تجاری، فناوری‌های نوین، نظم بین‌الملل، منطقه آسیا و اقیانوسیه	رقیب جهانی	۲۰۱۸- ۲۰۲۲
خودکفایی فناوریانه، حضور فعال‌تر در جنوب جهانی	عامل بی‌ثباتی جهانی	اوکراین، هوش مصنوعی، جداسازی اقتصادی	رقیب جهانی تشبیه شده	۲۰۲۳- ۲۰۲۵

منبع: یافته‌های نویسندگان

۷- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که بازنمایی ایالات متحده در اسناد امنیت ملی چین طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۵ دچار تحولی بنیادین شده‌است. در سند استراتژی نظامی چین (۲۰۱۵)، آمریکا عمدتاً در جایگاه یک «دیگری رقیب منطقه‌ای» ظاهر می‌شود که تهدید اصلی آن در محیط پیرامونی شرق آسیاست. این سند بر حضور نظامی ایالات متحده در منطقه، سیاست «چرخش به سوی آسیای اوباما»، و فروش تسلیحات به تایوان تأکید دارد و مداخله‌گری آمریکا را به عنوان عامل بی‌ثباتی در شرق آسیا معرفی می‌کند. در مقابل، در سند دفاع ملی در عصر جدید (۲۰۱۹)، تصویر ایالات متحده به سطح یک «دیگری رقیب جهانی» ارتقا یافته و آمریکا به عنوان اصلی‌ترین چالش نظم بین‌المللی بازنمایی شده‌است. در این سند، اتهاماتی مانند یکجانبه‌گرایی، مداخله‌گری در امور سایر کشورها و تلاش برای مهار جهانی چین برجسته شده‌است (State Council Information Office, 2015; 2019).

تحولات پس از سال ۲۰۲۲ نیز نشان‌دهنده تشدید این روند است. بحران اوکراین و متهم‌سازی آمریکا از سوی چین به تحریک و گسترش ناتو، محدودیت‌های فناوریانه واشنگتن علیه پکن و ... همگی مؤید آن است که «دیگری‌سازی از ایالات متحده» در گفتمان امنیت ملی چین به سطحی بی‌سابقه رسیده‌است و چین، ایالات متحده را به عنوان دیگری رقیبی می‌بیند که عامل بی‌ثباتی جهانی است و در نهایت چالشی در برابر نظم بین‌المللی به شمار می‌آید.

در ادامه، «گزارش سیاستی امنیت جهانی چین در سال ۲۰۲۵» نیز بر تداوم و تعمیق همین روند تأکید دارد. در این گزارش، ایالات متحده به عنوان عامل اصلی بی‌ثباتی در نظام بین‌الملل معرفی می‌شود که با سیاست‌های ائتلاف‌محور، جنگ فناوری و مداخلات ژئوپلیتیک، مانع شکل‌گیری نظم چندجانبه‌گرا می‌گردد. این سند، بازنمایی ایالات متحده را در سه سطح گسترش می‌دهد:

۱. در سطح راهبردی، آمریکا به عنوان بازیگری معرفی می‌شود که از رقابت فناوریانه و محدودیت‌های تکنولوژیک برای مهار چین بهره می‌گیرد؛
۲. در سطح منطقه‌ای، واشنگتن عامل اصلی بی‌ثباتی در پیرامون چین، از جمله تایوان و دریای جنوبی توصیف می‌شود؛
۳. در سطح نهادی، چین بر ضرورت شکل‌دهی سازوکارهای امنیتی مستقل و چندجانبه تأکید دارد که در برابر الگوی تقابلی آمریکا قرار می‌گیرد.

بر این اساس، گزارش ۲۰۲۵ را می‌توان حلقه‌ی تکمیلی فرایند «جهانی‌سازی دیگری رقیب» در گفتمان امنیت ملی چین دانست که استمرار و نهادینه‌سازی این رویکرد را در سطح مفهومی و نهادی تثبیت می‌کند.

شکل زیر تحول بازنمایی ایالات متحده در گفتمان امنیت ملی چین را در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ و پس از آن نشان می‌دهد:

شکل ۱: تحول بازنمایی ایالات متحده در گفتمان امنیت ملی چین



منبع: یافته‌های نویسندگان

بر اساس یافته‌ها، این فرایند تحول بازنمایی به سه مسیر عمده در سیاست خارجی چین منجر شده است:

۱. **تقویت امنیت منطقه‌ای:** یافته‌ها نشان می‌دهد که بازنمایی ایالات متحده به‌عنوان «دیگری رقیب» موجب شده چین امنیت پیرامونی خود را به‌عنوان اولویت راهبردی در نظر بگیرد. اسناد امنیتی چین به‌طور مکرر به موضوع تایوان، دریای چین جنوبی و حضور نظامی آمریکا در شرق آسیا اشاره کرده‌اند. این درک تهدید، سبب افزایش بودجه دفاعی، توسعه قابلیت‌های نظامی نوین، و تقویت راهبرد بازدارندگی در سطح منطقه‌ای شده است. چین از این مسیر در پی آن است که موازنه قوا در شرق آسیا را به نفع خود تغییر دهد و تلاش می‌کند با افزایش توان نظامی، حضور پررنگ‌تر در دریای چین جنوبی، و واکنش به سیاست‌های آمریکا در شرق آسیا، تهدیدات امنیتی پیرامونی را مهار کند.

۲. **گسترش کنشگری و جهانی‌سازی سیاست خارجی چین:** ارتقای تصویر آمریکا از «دیگری منطقه‌ای» به «دیگری جهانی» موجب شد که چین از سطح سیاست‌های منطقه‌ای

فراتر رفته و در قالب ابتکاراتی نظیر «ابتکار یک پهنه یک راه»، تعمیق روابط راهبردی و همکاری‌های استراتژیک با روسیه و دیگر قدرت‌های نوظهور و حضور و مشارکت فعال در نهادهای بین‌المللی، هویت خود را در قامت یک قدرت جهانی شکل دهد. در واقع، چین با بهره‌گیری از این رویکرد تلاش دارد خود را در برابر نظم آمریکامحور، به‌عنوان کنشگری جهانی و حامی چندجانبه‌گرایی بازنمایی کند.

۳. رقابت ایدئولوژیک و گفتمانی: رقابت چین و آمریکا در اسناد امنیت ملی صرفاً محدود به عرصه نظامی و اقتصادی نیست؛ بلکه به حوزه‌های ایدئولوژیک و هویتی نیز کشیده شده‌است. چین ایالات متحده را به یکجانبه‌گرایی، مداخله‌گری و بی‌ثبات‌سازی متهم می‌کند، در حالی که خود را به‌عنوان حامی توسعه متوازن، همکاری برد-برد و ثبات جهانی معرفی می‌نماید. این تقابل گفتمانی به چین امکان داده‌است مشروعیت اقداماتش را در سطح داخلی تقویت کند و در عرصه خارجی نیز حمایت کشورهای در حال توسعه را به‌دست آورد.

به‌طور کلی، می‌توان گفت که بازنمایی ایالات متحده به‌عنوان «دیگری جهانی» نه‌تنها سطح رقابت چین و آمریکا را افزایش داده، بلکه به بازتعریف نقش چین در نظم بین‌المللی منجر شده است. این تحول چین را از یک بازیگر منطقه‌ای به کنشگری جهانی بدل ساخته که در پی چالش با نظم موجود و ارائه الگوی بدیل در عرصه سیاست بین‌الملل است (Allison, 2020).

در عین حال، جنگ اوکراین و نقش آمریکا در حمایت از ناتو، به بازنمایی هرچه منفی‌تر واشنگتن در اسناد رسمی چین دامن زده‌است (Zhao, 2023). به نظر می‌رسد بازنمایی ایالات متحده در سیاست امنیتی چین همچنان بر محور تهدید و تقابل استوار باقی بماند. تداوم سیاست‌های تقابلی دو کشور می‌تواند به شکل‌گیری نوعی «رقابت ساختاری پایدار» بینجامد که مدیریت آن به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های نظام بین‌الملل در دهه‌های آینده تبدیل خواهد شد. از این منظر، مطالعه بازنمایی آمریکا در اسناد امنیت ملی چین نه‌تنها تحلیلی از سیاست‌های یک قدرت خاص، بلکه ابزاری برای فهم تحولات نظم بین‌المللی و مسیر احتمالی روابط قدرت‌های بزرگ در قرن بیست‌ویکم است.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که بازنمایی ایالات متحده در اسناد امنیت ملی چین، نه صرفاً یک توصیف از واقعیت خارجی، بلکه ابزاری برای هویت‌سازی، مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های داخلی و خارجی و آماده‌سازی افکار عمومی برای مواجهه با یک رقابت بلندمدت

است. استمرار این روند می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای آینده نظم بین‌الملل داشته‌باشد و جایگاه چین را به‌عنوان یک کنشگر محوری در عرصه جهانی بیش‌ازپیش تثبیت کند.

منابع و مآخذ

فارسی:

- احمدی، محمدشهاب (۱۴۰۲). «جغرافیای سیاسی مناقشات در دریای چین جنوبی». *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ۱۹. پاییز ۱۴۰۲ شماره ۳ (پیاپی ۷۱)، صص ۳۸۲-۴۱۵.
- بوزان، بری (۱۳۹۰). *ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ سیاست‌های جهانی در قرن بیست و یکم*، مترجم: عبدالمجید حیدری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، نشر تهران.
- خوش‌هیکل آزاد، محمد (۱۴۰۳). «ارزیابی رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال راهبردهای بزرگ جهانی». *فصلنامه سیاست خارجی*. دوره ۳۸. شماره پیاپی ۱۵۲. زمستان ۱۴۰۳. صص ۱۵۰-۱۲۳.
- کریمی، حمیدرضا. موسوی شفقانی، مسعود. اسلامی، محسن (۱۳۹۸). «تهداسازی موازی گامی در جهت گذار صلح آمیز نظم بین‌الملل (زنجیره ارزش چین محور در برابر نظم آمریکایی)». *فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*. دوره ۲، شماره ۲، اسفند ۱۳۹۸. صص ۳۹۴-۳۶۷.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴). *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، مترجم: حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.

انگلیسی:

- Allison, G. (2020). The Thucydides Trap: Are the U.S. and China Headed for War. *Foreign Affairs*, 99(2), 32–37.
- Chang, M. (2021). Techno-nationalism and U.S.–China technological rivalry: Huawei, 5G and the struggle for global leadership. *International Affairs*, 97(6), 1673–1691. <https://doi.org/10.1093/ia/iiab187>
- China's Military Strategy (2015), *The State Council Information Office of the People's Republic of China*, May 2015, Beijing. http://www.81.cn/dblj/2015-05/26/content_6507373.htm
- China's National Defense in the New Era (2019), *The State Council Information Office of the People's Republic of China*, July 2019, Beijing.
- Erickson, A. S. (2016). *Chinese naval shipbuilding: An ambitious and unfinished course*. Naval Institute Press.
- Erickson, A. S. (2019). China. In T. Balzacq, P. Dombrowski, & S. Reich (Eds.), *Comparative grand strategy: A framework and cases* (pp. 73–98). Oxford University Press.
- He, K. (2020). Contesting revisionism: China, the United States, and transformation of international order. *International Studies Review*, 22(3), 482–507.

- Ikenberry, G. J. (2022). *A World Safe for Democracy: Liberal Internationalism and the Crises of Global Order*. Princeton University Press. 280-285.
- Kennedy, S. (2021). China's enduring reliance on semiconductor technology. Washington, DC: *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*.
- Kennedy, S. (2023). *China's Drive for Semiconductor Self-Reliance: Assessing Progress and Prospects*.
- Lo, B. (2020). The Sino-Russian partnership and global order. *China International Strategy Review*, 2(2), 306-324.
- Liu, F. (2019). China's national security strategy in the era of U.S.-China competition. *Journal of Contemporary China*, 28(118), 707-723.
- Shambaugh, D. (2018). *China's Future*. Polity Press. 45-52.
- State Council Information Office of the PRC. (2014). *The Practice of the "One Country, Two Systems" Policy in the Hong Kong Special Administrative Region*. Beijing: SCIO.
- State Council Information Office of the PRC. (2018). *China's Arctic Policy*. Beijing: SCIO.
- State Council Information Office of the PRC. (2021). *Hong Kong: Democratic Progress Under the Framework of "One Country, Two Systems"*. Beijing: SCIO.
- State Council Information Office of the PRC. (2025). *China's National Security in the New Era*. https://english.scio.gov.cn/whitepapers/2025-05/13/content_117871660.html
- Taiwan Affairs Office & State Council Information Office of the PRC. (2022). *The Taiwan Question and China's Reunification in the New Era*. Beijing: SCIO.
- Wang, J. (2022). China's National Defense in the New Era: Strategic narratives and the construction of the U.S. as the rival "Other." *The China Quarterly*, 252, 1102-1123. <https://doi.org/10.1017/S0305741022000769>
- Wang, J. (2022). China's perception of the Ukraine crisis and U.S. responsibility. *China International Studies*, 94(3), 45-59.
- Wendt, Alexander (1999), *"Social Theory of International Politics"*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Yang, Y., & Li, M. (2016). China's Military Strategy 2015: Maintaining a "Revolution in Military Affairs with Chinese Characteristics." *Asian Security*, 12(2), 73-92.
- Zhao, Suisheng. (2023). "China's Perceptions of the US-led World Order after the Ukraine War." *Journal of Contemporary China*, 32(139), 1-17.
- Zhang, F. (2019). China's long march at sea: Explaining Beijing's South China Sea strategy, 2009-2016. *The Pacific Review*, 33(2), 1-31.

